

## جایگاه اجتماعی محله در شهرهای اسلامی با تأکید بر اصفهان

ابراهیم انصاری

عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

### چکیده

محور اصلی بحث نقش اجتماعی محله در شهرهای اسلامی است. یافته‌های باستان‌شناسان و اندیشمندان تاریخ تمدن، بین‌النهرین و کناره‌های نیل را پیشاهنگ تمدن و شهری شدن جهان دانسته‌اند. از نظر کالبدی سه عامل سیاسی، اقتصادی و مذهبی زمینه‌ساز پیدایش شهرها در منطقه خاور میانه بوده است. اسلام به عنوان یک ایدئولوژی فراگیر، کلیه ابعاد زندگی اجتماعی و انسانی را متأثر ساخت به طوری که در شکل‌گیری منازل و پدیده‌های جغرافیایی و شهری دگرگونی قابل توجهی را پدید آورد. از ویژگیهای مهم شهر اسلامی چهار عنصر حکومت، امت، اصناف (بازار) و محلات است. محله بعنوان یک واحد اصلی روابط اجتماعی در شهرهای اسلامی بوده و از اجزاء اصلی و فرعی تشکیل شده است و عوامل فضایی، فرهنگی و اقتصادی در آن دخالت داشته است. ضمن بررسی تاریخی، نقش اجتماعی محله را در شهر اصفهان در گذشته و حال نشان خواهیم داد.

### واژه‌های کلیدی

محله، شهر اسلامی، میدان، بازار، شهرنشینی، اصفهان، نظام اجتماعی، مسجد، میراث فرهنگی، معماری، مکان عمومی، سازمان اداری و شهرسازی

## مقدمه

شهرها، دومین انقلاب عظیم در فرهنگ انسان، روند اجتماعی برجسته‌ای بود که بیشتر موجب دگرگونی در روابط متقابل انسان با انسان‌های دیگر گردید تا تغییر در واکنش‌های او نسبت به محیط. طبق بررسی‌های باستانشناسان سه شرط لازم است تا این که سکونتگاهی به شهر ارتقاء پیدا نماید: ۱- مساعدت محیط طبیعی یا محیطی گشاده دست و پربرکت ۲- درجه‌ای از تکامل دانش فنی و بالاخره ۳- سازمان اجتماعی مبتنی بر تقسیم کار. اما چه برای ارتقای دانش فنی و چه برای ایجاد سازمان اجتماعی مبتنی بر تقسیم کار، جامعه، نخست باید به پرداخت هزینه زندگی آنانی که خارج از تلاش برای ارضای نیازهای شخصی، در قالب فرایند تولید و با دخالت مستمر و مستقیم در آن، برای تحقق دو شرط متأخر یاد شده می‌کوشند توانا گردد.

به بیان دیگر جامعه باید به تولید مواد و اقلام مورد نیاز و حتی کمتر مورد نیاز خود همت گمارد، اما آن مقدار محصول به کف آورد که سایرین مشغول به امور دیگر نیز ارتزاق کنند<sup>۱</sup> تحقیقات و کاوش‌های باستانشناسی نشان می‌دهد که بیشترین میزان جمعیت در طول دره رودخانه‌های دجله، فرات، نیل، سندوزرد تمرکز یافته است.

رونق تجارت و گسترش راههای دادوستد بازرگانی در کنار دستگاه اداری حکومت و سازمان‌های دینی، به پیدایش شهرهای بسیاری منجر شد و شبکه‌ای از شهرها در مسیر راه‌های اصلی اتصال شرق به غرب آن زمان پدید آمد.

غیر از دو عامل سیاسی و اقتصادی، عامل مذهب هم همانند بسیاری از شهرها در خاورمیانه بر شهری شدن تأثیر داشته است. به نظر لوئیس مامفورد<sup>(۱)</sup> "تأثیر مذهب بر حیات شهری چه در دوره‌ای که مذهب و سیاست نهاد واحدی به شمار می‌رفتند و چه در دوران جداسدن و تمایز این دو بسیار تعیین کننده بوده است. مساله مرگ و دفن مردگان و علاقه به بازگشت به محل دفن اجداد و انجام مراسمی در این رابطه به گورستان‌ها تقدس خاصی بخشیده است. مردگان از جمله اولین گروه‌های انسانی بودند که مسکنی دائمی یافتند.... بر این اساس شهر مردگان همواره مقدم بر شهر زندگان به شمار رفته و مرکز و هسته پیدایش بسیاری از شهرها بوده است."<sup>۲</sup>

بنابراین از نظر کالبدی ترکیب سه عامل سیاسی، اقتصادی و مذهبی زمینه ساز پیدایش

شهرها در منطقه خاورمیانه بوده است. در واقع سه پایه اصلی شهر اسلامی مرکز سیاسی، اقتصادی و مذهبی در قالب معماری «میدان» بوده است. اسلام به عنوان یک ایدئولوژی کامل و فراگیر، کلیه ابعاد زندگی اجتماعی و انسانی را متأثر ساخت به طوریکه در شکل منازل و پدیده‌های جغرافیایی و شهری و نیز تحول چهره‌های سنتی و قدیمی با جایگزین کردن عناصری چون مساجد، زیارتگاهها، گورستانها و مکانهای عمومی و اجتماعی خاص، دگرگونی قابل توجهی را پدید آورد. از ویژگیهای مهم شهرهای اسلامی، جدائی نواحی مسکونی، تجاری و نظامی بود.

«شهرنشینی را می‌توان بر اساس سه دیدگاه بررسی نمود:

- ۱- به عنوان یک ساخت فیزیکی که دارای جمعیت، فن آوری و نظم ویژه محیطی است.
  - ۲- به عنوان یک نظام اجتماعی که دارای نهادها، ساخت‌ها و روابط اجتماعی می‌باشد.
  - ۳- به عنوان پایگاهی که انبوهی از تمایلات، گرایش‌ها و عقاید که در شهر وجود دارد.<sup>۳</sup>
- در این مقاله ضمن بررسی تاریخی شهر و ساخت فیزیکی آن به بیان عناصر اصلی زندگی شهری در دوره‌ی اسلامی به یکی از این عناصر که «محلات» است پرداخته و به طور مشروح ابعاد فیزیکی و اجتماعی محله را با مطالعه موردی یکی از محلات اصفهان مورد بررسی قرار خواهیم داد.

## روش مطالعه

روش عمده به کار گرفته شده در این مقاله، از نوع روش اسنادی و کتابخانه‌ای، مشاهده مستقیم و پژوهش میدانی است. مراجعه مکرر به محله «در دشت»، جمع آوری آمار و اطلاعات و شرکت در مراسم مختلف از جمله اعیاد، مناسبتها و سوگواریهاست.

## ۱- شهر اسلامی

اسلام به عنوان یک ایدئولوژی کامل و فراگیر، کلیه ابعاد زندگی اجتماعی و انسانی را متأثر ساخت. از سالهای تشکیل حکومت اسلامی دین اسلام فاتحانه در سرزمین‌های اطراف خود نفوذ کرد و بر زمین‌های پهناوری مسلط گردید و منجر به پیشرفتهای اجتماعی فرهنگی و سیاسی شد. سه قرن نخست فرمانروایی اسلام دوره تجدید عظمت شهری در آسیای میانه، شمال افریقا و خاورمیانه است. گرچه نخستین فاتحان اسلامی از بادیه نشینان بودند اما دین

اسلام از آغاز پایه‌های تمدن را بر شهر نشینی بنیان نهاد.

شکل فیزیکی شهرهای اسلامی از بسیاری جهات منعکس کننده ساخت اجتماعی آنهاست.

اسلام بر خصیصه «پوشیدگی و حجاب» در زندگی خانوادگی تأکید داشت. خانه همواره در یک سطح ساخته می شد و شهر شامل مجموعه‌ای از خانه‌هایی بود که فضای داخلی آنها از خارج قابل رؤیت نبود. خیابانها کم عرض و مارپیچی بود و به کوچه‌های پریچ و خم و غالباً «سروپوشیده منتهی می‌گردید. مغازه‌ها به صورت متمرکز در میدان بلکه در طول یک یا چند گذر و یا معابر سروپوشیده کنار یکدیگر قرار می‌گرفت و بازار را شکل می‌داد.

بنیادهای اجتماعی زندگی شهری در تمدن اسلامی حداقل در چهار عنصر عمده است که امروز این عناصر به عنوان ویژگی تاریخی شهر نشینی در اسلام محسوب می‌گردد "... حکومت، امت، اصناف (بازار) و محلات است. در شهرها سازمان‌های اجتماعی دیگر نیز گهگاه اهمیت یافته‌اند، که مهمترین آنها انجمن‌های پنهانی همچون انجمن‌های اخوت، فرقه‌های صوفیان و درویشان و دارودسته‌های جوانان، عیاران و راهزنان است. آنها نیز از اجزای نظام اجتماعی شهر بودند بدین ترتیب مشاهده می‌شود که اجزای اصلی نظام اجتماعی شهرها با اجزای سیمای شهر رابطه نزدیک دارد: قهاندز دارالحکومه مرکز اداری و حکومت شهر، مساجد و مدارس مرکز مذهبی، بازار مرکز اصناف و محلات شهر مرکز زندگی گروههای اجتماعی قومی، نژادی و مذهبی بوده است."<sup>۴</sup>

ماکس وبر چند ویژگی برای شهر قائل است " وجود برج و بارو، بازار، دادگاهی بر اساس قوانین کم و بیش مستقل، اشکال شهری انجمن و حداقل استقلال نسبی"<sup>۵</sup>

به نظر وبر شهرهای اسلامی دارای برج و بارو و بازار بوده‌اند ولی از امتیازات حقوقی و شهروندی بی بهره بوده‌اند. شهر اسلامی توسط حاکم شهر و کارگزاران مختلف دستگاهها اداره می‌شد. امور عمده اداری و سیاسی شهرها شامل: امور انجمنها و سازمانهای اجتماعی و اقتصادی شهری، امور قضایی و امور انتظامی شهرها.

"در شهرهای ایرانی دوره اسلامی برای انجام هر یک از وظایف مقامهایی بوجود آمد اداره امور اصناف و بازرگانان و محلات شهر ابتدا با رئیس و بعدها با کلاتر شهر بود. امور قضایی را به طور کلی سه گونه دادگاه حل و فصل: محاکم مظالم، محاکم شهر و محاکم حسبت. امور انتظامی شهر با داروغه و عسسهها (پاسبانان) بود. کلاتر تا حدی وظایف شهردار را برعهده

داشت و داروغه، در واقع، رئیس شهربانی بود و در رأس هر یک از محاکم سه گانه، به ترتیب حاکم، قاضی و محتسب قرار داشت.<sup>۶</sup>

## ۲- محله به عنوان واحد اصلی روابط اجتماعی

محله در شهر اسلامی سکونتگاه گروههای قومی، نژادی، مذهبی و صاحبان پیشه‌ها است. محلات در شهرهای اسلامی از اجزاء اصلی و فرعی تشکیل می‌گردد که عوامل فضائی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در آن دخالت داشته است "در شهرهای بزرگ گاهی هر محله برای خود شهری بود نیمه مستقل با بازارها، مساجد، گرمابه‌ها و سازمان اداری و حتی اقتصادی مشخص که وابسته به حکومت شهر بود. برخلاف مراکز اداری و بازرگانی و مذهبی شهر که تا حد زیادی نمودار همبستگی نظام شهری بود، محلات شهر جلوه گاه تضادها و پراکندگیها بود."<sup>۷</sup> از طرف دیگر همکاری و تعاون بین افراد یک محله و حمایت اجتماعی و اقتصادی آنان از همدیگر آنقدر بود که فقدان قوانین و مقررات برای تأمین امنیت اجتماعی فرد را تا حدودی جبران می‌کرد.

در بغداد مهاجرانی که از یک شهر بودند در یک محله باهم زندگی می‌کردند. از قرن سوم هجری به بعد، عامل مذهب نیز تبدیل به یکی از عوامل مهم همبستگی‌های محله‌ای شد. در بعضی شهرها که پیروان مذاهب مختلف حضور داشتند هر کدام در محله‌ای خاص زندگی می‌کردند شافعیان، حنفیان، شیعیان و دیگر پیروان مذاهب، ضمن اختصاص دادن یک یا چند محله در شهر، تأسیسات عمومی مخصوصی هم برای خود احداث می‌کردند، اقلیتهای مذهبی مانند زرتشتیان، مسیحیان و یهودیان همواره در محله‌ای جدا از دیگران زندگی می‌کردند. اینان در پی به قدرت رسیدن سلسله‌ها و حکام متعصب یا در مواقع بحرانی مورد اذیت و آزار قرار می‌گرفتند.<sup>۸</sup>

در دوره صفویه، دسته بندی فرقه‌ای منجر به تقسیم محله‌ها به دو بخش عمده نعمتی خانه و حیدری خانه شد. گاهی اختلافات به سادگی تبدیل به درگیری و زد و خورد بین ساکنان محله‌ها با یکدیگر می‌شد. حمدالله مستوفی در تزه القلوب اشاره به اختلاف و نزاع دایمی در اصفهان دارد.<sup>۹</sup>

معتمص هنگام بنیانگذاری سامره فرمان داد که اهالی فرغانه و ترکان محلات جداگانه‌ای داشته باشند تا با اعراب برخورد پیدا نکنند. یا آنکه در بغداد هر قبیله‌ای محله‌ای

داشت و اهالی خراسان نیز محله‌ای جداگانه داشتند. انطاکیه همچون حلب و دمشق، شهر واحدی نبود. بلکه مجموعه‌ای بود از چند شهر که هر یک اجتماع قومی و مذهبی خاصی را تشکیل می‌دادند. مهمترین اجتماعات از آن ترکان، مسیحیان و علویان بود. این گروهها هیچ وجه مشترکی با هم نداشتند و جدا از هم می‌زیستند و هر یک آداب و رسوم و قوانین ویژه داشتند و رقابت و همچشمی و ستیزه بر روابط آنان حکمفرما بود.<sup>۱۰</sup>

از سوی دیگر «هم محله‌ای» بودن نوعی ارزش محسوب می‌شد و گونه‌ای تعهد برای هر یک از افراد محله، برای حمایت از سایر افراد محله خود در برابر دیگران ایجاد می‌کرد.<sup>۱۱</sup>

### ۳- محله در شهر اصفهان

اصفهان نه فقط از لحاظ زیباییهای طبیعی بلکه از نظر هنری، مذهبی و نقش‌های سیاسی اقتصادی و فرهنگی هم از اهمیت زیادی در گذشته و حال برخوردار بوده است. آثار تاریخی و هنری اصفهان، این شهر را در ردیف یکی از میراثهای فرهنگی جهان در آورده، به طوری که یونسکو آن راهمتر از چند شهر مهم و زیبای جهان قرار داده و به عنوان یکی از گنجینه‌های فرهنگی با ارزش جهان ثبت کرده و حفظ و حراست آن را به جهانیان توصیه نموده است.<sup>۱۲</sup>

میرسید علی جناب در تاریخ اصفهان، محلات شهر اصفهان را به دو قسمت، شرقی شهر که نعمت خانه بوده و غربی شهر که حیدر خانه بوده تقسیم نموده است و بیش از ۱۴۲ محله را شناسایی کرده که محله‌های معروف به نامهای:

”دروازه نو، دردشت، شهشان، گودمقصودبیک، جوواره، بیدآباد، درب کوشک (مسجد حکیم)، نیم آور، میدان کهنه، میدان میر (سید احمدیان)، محله نو، کران، باعات، لبنان، چهارسوق، شمس آباد، عباس آباد، چرخاب، طوقچی، جوب شاه، پاقله، خواجه و جماله کله“.<sup>۱۳</sup>

پس از اسلام با ورود حنفیها و شافعیها به اصفهان محلات حنفی و شافعی هم به این محله‌ها اضافه می‌گردد. در دوره سلجوقیان و قبل از مغولان نیز اختلافات شدید بین محلات حنفی نشین و شافعی نشین بوجود می‌آید، به طوری که این اختلافات کاسه صبر کمال الدین اسماعیل شاعر اصفهانی را لبریز نموده و نفرین می‌کند:

تا درشت هست و جوواره      نیست از کوشش و کشش چاره

ای خداوند هفت سیاره  
تا که در دشت را چو دشت کند  
پادشاهی فرست خونخواره  
جوی خون آورد ز جو باره  
عدد خلق را بیفزاید  
هر یکی را کند دو صد پاره

”نفرین کمال اسماعیل اجابت شد و در سال ۶۳۳ ه.ق. مقارن با حکومت اوکتای قآن جانشین چنگیز، نزاغ شافعیها و حنفیها بالا گرفت و با آن که تا این تاریخ هنوز مغولها بر اصفهان مسلط نشده بودند، شافعیها با آنها ساختند و قرار گذاشتند که دروازه‌های شهر را به روی ایشان بگشایند. البته به شرط آن که پس از ورود به شهر آنها از حنفیها قتل عام نمایند، ولی مغولان پس از ورود به شهر، شافعیه و حنفیه را با هم قتل عام نمودند و شهر اصفهان را که تا این تاریخ از دستبرد آن قوم خونخوار محفوظ مانده بود با خاک یکسان کردند.“<sup>۱۴</sup>

از سال ۱۰۰۶ ه.ق. که پایتخت صفویه از قزوین به اصفهان انتقال یافت، در طول ۴۲ سال سلطنت شاه عباس روز بروز بر عظمت و ترقی آن افزود.

”شهر سازان عصر صفویه به منظور توسعه شهر به طرف جنوب، در کنار چهارباغ محلات جدیدی با برنامه ریزی قبلی طرح ریزی نمودند تا شهر قدیمی به سوی جنوب گسترش یافت و بدین وسیله محلات تبریزی‌ها (عباس آباد نعلی) خواجو، جلفا، سعادت آباد و فرح آباد یکی بعد از دیگری در بخش جنوبی شهر قدیمی احداث و رشد کرد و به شهر قدیمی متصل گردید. این حرکت عقلانی و فنی که در آن عصر صورت گرفت هنوز هم با موازین شهر سازی‌های امروز ما منطبق است.“<sup>۱۵</sup>

## الف. اجزاء اصلی محله

محلات در اصفهان از اجزاء اصلی و تعدادی اجزاء فرعی تشکیل می‌گردد که در ترکیب فضائی و عملکردی از یکدیگر متمایز شده‌اند.

### ۱- مرکز محله

مرکز محله نقطه ثقل محله را تشکیل می‌دهد و شامل عناصر عمومی معینی است که در کنار یکدیگر مجتمع شده و در میان محله استوار می‌یابند. اینها شامل بازارچه مسجد و حمام می‌باشند. ”مرکز محله‌ها، که مکان استقرار فضاهای مزبور بود، در محل تقاطع راههای اصلی محله و در اغلب موارد، در مرکز فیزیکی محله شکل می‌گرفت موقعیت و محل مرکز محله‌ها،

به غیر از موضوع دارا بودن بهترین نحوه دسترسی که اغلب مهمترین عامل محسوب می‌شود، از عوامل و شرایط دیگری، از جمله موقعیت محله نسبت به بازار، راههای اصلی شهر، اراده بنیانگذاران فضاهای خدماتی و اهالی محله بستگی داشت. " ۱۶

## ۲- شبکه راههای محله

این شبکه که تار و پود محله را تشکیل می‌دهد تا آخرین واحد مسکونی محله را در بر می‌گیرد. مهمترین عنصر آن گذر اصلی محله است که از میان محله عبور کرده است و از راههای محله‌ای انشعاب می‌یابد که شامل گذرهای فرعی و کوچه‌های اصلی، کوچه‌های فرعی و بن بست‌ها می‌باشد.

## ۳- فضاهای خصوصی محله (هشتی‌ها و بن بست‌ها)

هر محله مسکونی ضمن آن که توسط یکی راه اصلی خود را به بازار شهر یا امتداد راه اصلی منتهی به بازار وصل می‌کند به همان ترتیب خود را از فضای عمومی و پر تحرک آن دور نگه می‌دارد. فضای داخلی هر محله، عمومی است و به گونه‌ای است که کمتر محل تردد افراد بیگانه واقع می‌شود، و شامل فضاهای کوچک و مسقفی بوده که با یک یا دو انحنای فضای خانه متصل می‌شود. ورودی معمولاً در منتهی‌الیه خانه قرار داشته که امکان دید از درب کوچه به داخل حیاط وجود ندارد و بدین ترتیب حریمیت خانه محفوظ می‌ماند.

## ۴- راسته محله‌ها

محورهای ارتباطی که عمومی‌ترین فضاهای ارتباطی در محله‌ها هستند در تقاطع آنها فضاهای باز بزرگتری نسبت به گذرها وجود دارد که مرکز محله را تشکیل داده است. مسجد محله، سقاخانه، بازار چه، دکان‌های متنوع، حسینیه، حمام، زورخانه و چایخانه در راسته محله وجود دارند. در راسته محله‌ها معمولاً پنجره‌ها و یا درب فضاهای مسکونی کمتر وجود داشته است چونکه این فضاها حالت عمومی داشته و رعایت اصول حریمیت و دفاع ضروری بوده است.

## ۵- زیر محله

هر یک از محلات دارای چند محله کوچکتری بوده‌اند که اصطلاحاً «زیر محله»



نامیده شده‌اند، معمولاً واحدهای منشعب از محله، کوچه‌های فرعی و بن بست‌ها متعلق به مذهب یا قوم خاصی بوده است که به اسم مذهب یا قوم و یا حتی صنف معروف بوده است.

### ب - محله در دشت

محله در دشت که امروز در ناحیه شمال شرقی و شمال منطقه تاریخی اصفهان واقع شده است. خیابان ابن سینا انتها و دروازه این محله را از پیکر محله جدا کرده و در بافت تاریخی محله تداخل نموده است.

این محله از شمال به محله شهشهان، از جنوب به محله جماله، از غرب به محله سنبلستان و محله مجلسی در شرق آن قرار گرفته است. این محله و محله جماله از محلات قدیمی است که در بافت تاریخی شهر اصفهان قرار دارند.

"شاردن از ابوالفرج اصفهانی مورخ عرب نقل می‌کند (در سابق اصفهان تقسیم می‌شده است به دو شهر یکی شهر کهنه جی و دیگری شهر جدید یهودیه یا جوده، زیرا مهاجرین یهود، ابتدا که در اینجا بنا می‌گذارده‌اند به اسم وطن خود جوده نامیده‌اند." ۱۷

حمدالله مستوفی نیز در قرن هشتم هجری می‌نویسد: "اصفهان چهارقریه داشته که بعداً نام این چهارقریه روی محلات شهر مانده است و آنها عبارتند از کران، کوشک، جوباره و در دشت." ۱۸

امروز هم با کمی تغییر این اجزاء در محله در دشت تا اندازه‌ای قابل رؤیت است، وجود بازارچه، مسجد بزرگ آقانور، مسجد چهارراه که در داخل بازارچه است، حمام که امروز تعطیل و بلااستفاده است، حسینیه بنی فاطمه که در ایام بخصوص بسیاری هیات‌های مذهبی و مردم نواحی اطراف را در خود جای می‌دهد. وجود کاروانسراهای (کامسرا) در این محله که بعضی از آنها بلا استفاده و مخروبه است و در بعضی از آنها کارگران مهاجر که اغلب افغانی هستند، شب‌ها اقامت دارند. وجود کوچه‌های اصلی و فرعی، هفت کوچه اصلی از راسته بازار منشعب است بن بست‌ها، هشتی‌ها، گذرها و هفت زیر محله، فعالیت‌های محله در سه بخش اقتصادی فرهنگی و اجتماعی قابل تقسیم است. در بخش اقتصادی فعالیت بازار و حجم معاملات انجام شده در طول هفته، کارگاه‌های کوچک مانند کارگاه‌های پولکی سازی، نبات سازی، گز سازی، فرش بافی، گلیم بافی، کفاشی و غیره که مشتریانی از محلات اطراف و حتی شهرهای دیگر را جذب می‌نماید.

در بخش اجتماعی، همیاری و مشارکت افراد محله در مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است، رسیدگی به خانواده‌های نیازمند از طریق صندوق‌های خیریه، همیاری در مدرسه سازی، نظارت و کنترل مسائل اجتماعی در محله است. در بخش فرهنگی نقش حسینیه کانون فرهنگی، تقلین و هیات‌های مذهبی، دسته جات عزاداری، کاروانهای سیاحتی و زیارتی قابل توجه است.

#### ۴- نتیجه گیری

در این مقاله کوتاه سعی شد که «محله» را به عنوان یکی از عناصر مهم شهر اسلامی مورد بررسی و بازنگری قرار دهیم. و توجه به این نکته که هنوز محلات قدیمی در شهر اصفهان خصوصیات اصلی خود را حفظ کرده‌اند.

به طور مشخص اجزاء اصلی و فرعی محله را نشان دادیم و ملاحظه گردید که فعالیت‌های محله در سه بخش عمده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قابل رویت است. در بخش اقتصادی فعالیت بازارچه و حجم معاملات نسبتاً زیاد است. تولیدات مختلفی در محله انجام می‌گیرد و مشتریانی را گاهی در خارج از محله جذب می‌نماید. در بخش اجتماعی همیاری در مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. مشارکت افراد محله از طریق شورا و پرداختن به مسایل آموزشی، مدرسه سازی، کنترل مسائل اجتماعی و تعاون بین هم محله‌ها است. در بخش فرهنگی وجود حسینیه و مساجد و هیات‌های مذهبی، کاروانهای سیاحتی - زیارتی. فعالیت کانون‌های فرهنگی، مراکز هنری، در راستای برآورد نیازمندیهای کودکان و نوجوانان برای قبول مسئولیت اجتماعی و در جهت پرکردن اوقات فراغت نوجوانان و جوانان بسیار مهم است.

در مجموع این فعالیت‌ها در محله از گذشته‌های دور تا امروز باعث شده است که «هم محله‌ای بودن» یک ارزش اجتماعی باشد. احترام و ارزش بیشتر برای هم محله‌ها نسبت به افراد محلات دیگر است. نکته اصلی این مقاله هم این است که ارزش‌های مطلوب تمدن اسلامی احیاء گردد. اسلام بعنوان یکی جهان بینی کامل و فراگیر توانسته است که کلیه ابعاد زندگی اجتماعی و انسانی را تحت تأثیر قرار دهد. با بهره جستن از تاریخ و تمدن اسلامی و تجارب حاصله در این زمینه، معماری و شهر سازی را انسانی‌تر نماییم. احیای فرهنگ معماری و جستجو برای هویت جدید معماری ایرانی - اسلامی از مسئولیت‌های مهم معماران و شهرسازان است.

تا این که بتوانیم فرهنگ اصیل و غنی را در سیمای کالبدها و ساخته‌های نوپای خود ببینیم. از سوی دیگر توجه به این نکته که محله زمانی نقش مهمی در روابط اجتماعی افراد داشته است و امروز این نقش اهمیت خود را از دست می‌دهد. خانه‌هایی که روزگاری محل آرامش و استراحت و خلوتگاه افراد بود و تمام هنر معماری در راستای حفظ درونی و اندرونی از بیرون، محرم از نامحرم، خودی از غریبه، هشتی از بن بست، بن بست از کوچه، رابطه همسایگی از غیر همسایگی، رابطه هم محله‌ای از دیگران، بکار گرفته شده بود، امروز در اغلب محله‌های شهرهای اسلامی در هم ریخته و یا در حال فروریختن است. معماری جدید در محلات قدیمی هیچ قاعده و هویتی ندارد. سلیقه‌های شخصی، توانائیهای مالی خانواده‌ها، مقدار زمین زیر ساخت، از جمله عواملی هستند که در تجدید ساختمانهای محله دخالت دارند.

#### پی نوشتها

- ۱- کاستللو، وینست. شهرنشینی در خاورمیانه، ص ۷
- ۲- همان کتاب، ص ۱۱
- ۳- ربانی، رسول. جامعه‌شناسی شهری، ص ۹
- ۴- اشرف، احمد. "ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی"، ص ۲۴
- ۵- کاستللو، وینست، پیشین، ص ۳۷
- ۶- اشرف، احمد. پیشین، ص ۲۴
- ۷- همان مقاله، صفحات ۳۸-۳۹
- ۸- سلطانزاده، حسین. تاریخ شهر و شهرنشینی، ص ۲۳۷
- ۹- همان کتاب، ص ۳۳۸
- ۱۰- اشرف، احمد. پیشین، ص ۳۹
- ۱۱- کیانی، محمد یوسف. شهرهای ایران، جلد سوم، ص ۲۶۹
- ۱۲- شفق، سیروس. "اصول شهرسازی اصفهان عصر صفوی"، فصلنامه فرهنگ اصفهان شماره ۱۵، ۱۳۷۹، ص ۳۵
- ۱۳- جناب، میرسید علی، الاصفهان، ص ۲۰۱
- ۱۴- نهجیری، عبدالحسین، جغرافیای تاریخی شهرها، ص ۵۰
- ۱۵- شفق، سیروس، پیشین، ص ۳۸

- ۱۶- سلطانزاده، حسین، پیشین، ص ۱۷  
۱۷- جناب، میرسیدعلی، پیشین، ص ۱۷  
۱۸- مستوفی، حمدالله، نزهه القلوب، ص ۵۳

### منابع

- ۱- انصاری، هرمز، ۱۳۷۹، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی اصفهان، تهران، انتشارات نقش جهان.
- ۲- اشرف، احمد، ۱۳۵۴، "ویژگیهای تاریخی شهرنشینی در ایران - دوره اسلامی" نامه علوم اجتماعی دوره ۱، شماره ۴
- ۳- دیکنز، پیتر، ۱۳۷۷، جامعه‌شناسی شهری، ترجمه حسین بهروان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی
- ۴- جناب، میرسیدعلی، ۱۳۷۱، الاصفهان، به اهتمام عباس نصر، اصفهان، امور فرهنگی شهرداری اصفهان
- ۵- ربانی، رسول، ۱۳۸۱، جامعه‌شناسی شهری، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان
- ۶- سلطانزاده، حسین، ۱۳۶۵، تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران، نشر آبی
- ۷- شفق، سیروس، ۱۳۵۳، جغرافیای تاریخی اصفهان، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان
- ۸- شیخی، محمد تقی، ۱۳۷۸، جامعه‌شناسی شهری، تهران، انتشارات نورگیتی.
- ۹- کاستللو، وینست، ۱۳۶۸، شهرنشینی در خاورمیانه، ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضائی، تهران نشر نی.
- ۱۰- کیانی، محمد یوسف، ۱۳۶۸، شهرهای ایران، جلد سوم، تهران جهاد دانشگاهی
- ۱۱- مستوفی، حمدالله، ۱۳۲۶، نزهه القلوب، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، انتشارات طهوری.
- ۱۲- نهجیری، عبدالحسین، ۱۳۷۰، جغرافیای تاریخی شهرها، تهران، انتشارات مدرسه.